

- سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری و شوراهای شهرها را بایکوت کردند
- سه سازمان فعال در زمینه امور زنان عضویت رژیم ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را محکوم کردند
- دو مزدور رژیم ایران در مریوان کشته شدند
- مشکل مکان برای دفع زباله در شهرهای «شنۆ و هرسین»



گروگانگیری به سبک جمهوری اسلامی

۷



اصلاحات آخوندی و شارلاتانیسم سیاسی

۶



تلاش رژیم های متجاوزگر در کوردستان ...

۵



روحانیون در کمین قدرت

۴

هیزم «ظریف» انتخابات



سفن

دستان
شعبده‌گر
کریم پرویزی

جنگ نیابتی، یا جنگ وکالتی، متودی است که جمهوری اسلامی بدان خو گرفته است. در همان اوایل تحمیل خود بر جامعه ایران، با توهم این که ایدئولوژی ولایت فقیه‌ی و سپاهیان‌ش می‌تواند از تهران تا کربلا را اشغال کرده و از آن جا نیز به قدس برسند، جنگ خانمان سوز را با عراق آغاز کرد، اما بعد از شکستی تحقیرآمیز که خمینی از آن به عنوان نوشیدن جام زهر نام برد، دیگر خود را درگیر جنگ مستقیم نکرده و پی بردند که نیروهایی را تحت حمایت خود سازماندهی کنند که فرمان بردار اوامر خود بوده و هر جا لازم دیدند برای اهداف آشویگرانه خود در منطقه از آنها استفاده کنند. در همین راستا نیز فقط به گروه‌های شیعه بسنده نکرده و در حقیقت از شیعه و سنی گرفته تا برسد به مسیحی و کمونیست، گروه‌های مافیایی را سازمان داده و برای جنگ‌های خود در مناطق مختلف از آنها استفاده می‌کند. از لبنان و سوریه گرفته تا یمن و بحرین و تا به عراق و ترکیه و کوردستان نیز از این مدل استفاده کرده‌اند.

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ خورشیدی گروهی تندرو وابسته به جریان‌ات جهادی، شبانه به خانه و مسکن محله دارسیران شهر مریوان هجوم برده و بعد از وارد کردن خسارات مالی زیادی به اموال ساکنین، دو نفر را نیز به سختی مجروح کرده و با این اقدام خود خواستند تا جو رعب و وحشت را بر شهر حاکم کنند.

به دنبال انجام دان ماموریت محوله و ایجاد فضایی پر از رعب و وحشت، تروریست‌های داعش صفت محل را ترک و به‌دنبال آنها نیروهای سرکوبگر سپاه تروریست پاسداران نیز با میلیتاریزه کردن کامل این محله از شهر خواستند جو موجود را بیش از

رئیس جمهور و وزیران همگی به گفته خاتمی تداروکات‌چی بیش نیستند. در کل می‌توان گفت، پخش این فایل صوتی جواد ظریف دو بعد اصلی از موضوع را برای ما روشن کرد، اول این که در چارت انتخابات ۹۲ نیز فایل صوتی قالیباف پخش شد، به تازگی هم فایل صوتی ظریف، هدف رژیم این است تا وانمود کند میان جناح‌های رژیم، تفاوت دیدگاه نسبت به چگونگی مدیریت جامعه وجود دارد، اما در حقیقت این تنها و تنها بازی سیاسی است. واکنش خامنه‌ای در همین مورد نکته‌ای را نیز بیش از پیش برجسته کرد که، در رژیم ایران تصمیم گیرنده شخص رهبر و بیت او هستند و

با غرب بود. وزیر خارجه رژیم مدعی است که روسیه به هر دری زده تا توافق برجام امضا نشود و عدم حضور نماینده روسیه در جلسه امضای توافق خود گواه بر این واقعیت است. به گفته ظریف فشارها و دخالت‌های فرمانده پیشین سپاه تروریست قدس عملاً دیپلماسی را فدای میدان جنگ کرد. او همچنین به صلاحیت و اختیارات مقامات رژیم اعتراض کرده و گفته، در ایران جایگاه افراد نظامی و دیپلمات‌ها کاملاً برعکس است. بسیاری از کاربران فضای مجازی پخش این فایل را هدفمند دانسته و نوشتند، این بازی خود جناح‌های رژیم برای فریب

خامنه‌ای روبرو شد! در این فایل صوتی که مورخ ۵ اردیبهشت پخش شد، ظریف نسبت به دخالت‌های روسیه با همکاری سپاه تروریست پاسداران در سیاست خارجه رژیم اعتراض کرده بود. ظریف به نقش مخرب روسیه و سپاه در به توافق نرسیدن برجام در سال ۲۰۱۵ پرداخته و گفته، آن‌ها در شرایطی که وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران بحرانی بود به دنبال منافع خود بودند. ظریف همچنین در مورد سفر قاسم سلیمانی به روسیه گفته است، سفر سلیمانی بدن هماهنگی با وزارت خارجه و با درخواست روسیه و با هدف برهم زدن جریان مذاکرات

سناریو و نمایشی به نام انتخابات در سیستم رژیم اسلامی ایران، تا بوده، چیزی جز تحریف افکار عمومی نبوده، رژیم با سوء استفاده از اعتقادات ملی، مذهبی و طایفه‌ای، انتشار فایل صوتی و هر چیزی که بتوان با آن مردم را فریب داد تلاش کرده تا مردم را پای صندوق‌های رای بکشاند! اخیراً فایل سه ساعت و نیمی صوتی از محمد جواد ظریف وزیر خارجه رژیم پخش شده که در آن به دخالت‌های سپاه قدس و به ویژه قاسم سلیمانی و همچنین بیت رهبری خامنه‌ای در امور خارجه اشاره کرده که با موج گسترده‌ای از واکنشات تند سران رژیم و علی

ادامه در صفحه ۳

سه تشکل سیاسی اپوزیسیون رژیم ایران انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری و شوراهای شهرها را بایکوت کردند

اعتراضات و اعتصابات و غیره و با سرنگونی رژیم و برقراری جمهوری، دموکراسی و جدائی دولت و دین در چارچوب ایرانی فدرال امکان‌پذیر خواهد شد. همبستگی برای آزادی و برابری در ایران، کنگره ملیتهای ایران فدرال و شورای دموکراسی‌خواهان از تمامی نیروهای مترقی، دمکرات و آزادی‌خواه دعوت میکند که صدای نه به انتخابات را هر چه رساتر کنند و از هم‌میهنانمان هم می‌خواهد که در این روز به نشانه همبستگی شان با یکدیگر و مخالفت با این رژیم جنایتکار، از حضور در حوزه های رای خودداری کرده و با ماندن در خانه‌های خود انتخابات فرمایشی را به فرصتی در مبارزات خود برای رسیدن به آزادی و دموکراسی تبدیل کنند.

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری دموکراتیک ایران فدرال
کنگره ملیتهای ایران فدرال
شورای دموکراسی خواهان ایران
همبستگی برای آزادی و برابری در ایران
۸ اردیبهشت ۱۴۰۰
۲۸ آوریل ۲۰۲۰

و سرکردگان آن نسبت به وضعیت فلاکت بار و جانفرسای مردم فقر زده و محروم غریبان‌تر از هر زمان شده است . امروز پس از تجربه ۴۲ ساله با حکومت شوم مذهبی، به پاس تداوم مبارزات ملیتها در سراسر ایران، استمرار و پیگیری کارگران، زنان، دانشجویان در احقاق حق خود و... به خصوص با وقوع شورش‌های سراسری انبوه بی شماران تهدیدست در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و به رغم سرکوب خونبار به دست ارگان‌های سرکوبگر بسیجی و امنیتی - نظامی، خط بطلان رژیم در صفحه تاریخ مردمان کشیده شده است. مردمان آزادی‌خواه و دموکرات ایران می‌دانند که این رژیم اصلاح‌ناپذیرست و وعده‌های پوچ و حنای فریبکارانه مجریان این نمایش رنگی ندارد. تحقق خواستها و آزادی‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و لغو هرگونه تبعیض در گرو نفی این حکومت و استقرار دموکراسی، آزادی و برابری در ایران است. عدم شرکت در انتخابات و تلاش در جهت تخطئه این بازی مردم فریب گامی است که باید در این راه برداشته شود. تحقق خواسته‌های انسانی و به حق هم‌میهنانمان، تنها با اتحاد همه آنها و هم‌صدا شدن تمامی مردم ایران به اشکال مختلف

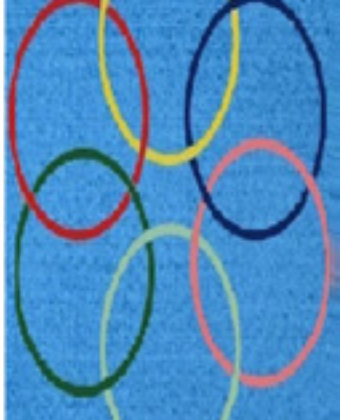
انتخابات چیزی جز معرکه گیری قدرتمندان حاکم نمی‌تواند باشد. مردم دموکرات و آزادی‌خواه ایران طی سال‌های حاکمیت شوم ولایت فقیه، چه " اصولگرا" و چه "اصلاح طلب"، نه تنها شاهد فروپاشی شیرازه جامعه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و به باد دادن ثروت‌های مادی و معنوی جامعه در خدمت به سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی و سیاست‌های خارجی ماجراجویانه برتری‌طلبانه و ویرانگر به نفع گسترش نفوذ ایدئولوژی ارتجاع مذهبی و سرکوب جنبش‌های دموکراتیک در منطقه هستند، بلکه می‌بینند که در پناه این رژیم دست اصحاب قدرت ، داخلی و بین‌المللی، در چپاول وغارت منابع انسانی و طبیعی باز گذاشته شده است. از آن سو سرکوب اعتراضات به نابسامانی‌ها و پایمالی حقوق و خواسته‌های به حق زنان، کارگران، دانشجویان، روستائیان و جنبش‌های ملیتها، سیاسی و مدنی در دستور کار ارگان‌های خفقان‌زای رژیم قرار دارد؛ پیگرد، بازداشت، زندان، شکنجه و اعدام تنها پاسخ دستگاه حکومتی به خواسته‌های به حق و دموکراتیک مردمان ایران است. با همه گیری کوید- ۱۹ و ادامه این ویروس جانفرسا، ناتوانی و سوء مدیریت و بی‌اعتنائی نظام



انتخاباتی، نمایشی از حضور وسیع مردم در انتخابات، در رسانه های داخل و خارج بوده است، اما مدتهاست که این شرایط سپری شده و جمهوری اسلامی در انزوای سیاسی است. در این دوران جمهوری اسلامی در فقدان چنین شرایط تبلیغاتی، دراین توهم است که با بستن قرارداد برجام و بستن پیمان با کشورهای اروپا و آمریکا بر بخرانهای داخلی خود چیره شود، و با دور زدن مبارزات مردم ایران و عدم مشروعیت داخلی، حداقل به داده است. در ساخت و بافت این حکومت مردم حق انتخاب ندارند، بلکه آن چه حکومت می‌خواهد رفتن مردم پای صندوق رای است تا هم تبلیغی شود برای مشروعیت رژیم و هم منتصب، ظاهری "منتخب" یابد. درطول تاریخ جمهوری اسلامی همیشه یک سوی از تبلیغات



موضوعیت دارد و نه نهادهای که "انتخابی" خوانده میشوند از قدرتی در برابر ولایت فقیه برخوردارند و صد البته آنچه انتخابات خوانده میشود در واقع تلاش رژیمی ضد مردمی است که با کشاندن بخشی از مردم به پای صندوق‌های رأی در عرصه عمومی چنین وانمود کند که این مافیای قدرت از مقبولیت، اعتبار و اعتماد مردمی برخوردار است و با این شیوه به کمک ترفندهای جورواجور این نمایش مضحک، مردم را هر بار در مقابل گزینش بد و بدتر قرار داده است. در ساخت و بافت این حکومت مردم حق انتخاب ندارند، بلکه آن چه حکومت می‌خواهد رفتن مردم پای صندوق رای است تا هم تبلیغی شود برای مشروعیت رژیم و هم منتصب، ظاهری "منتخب" یابد. درطول تاریخ جمهوری اسلامی همیشه یک سوی از تبلیغات



کنگره ملیتهای ایران فدرال، شورای دموکراسی خواهان ایران و همبستگی برای آزادی و برابری در ایران با صدور بیانیه‌ای رویه مردم ایران، با شعار، نه به انتخابات، ماندن در خانه‌ها! متحد تا سرنگونی جمهوری اسلامی ایران!؛ شرکت در انتخابات فرمایشی رژیم را تحریم کردند. متن بیانیه به شرح زیر است: هم میهنان گرامی ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات شوراهای شهر و روستا است. همان طور که آگاهید رژیم خودکامه و تمامیت‌خواه ولایت فقیه طی ۴۲ سال حاکمیت شوم خود بر ایران تلاش کرده با به‌راه انداختن به اصطلاح "انتخابات" بر جمهوریت نظام تأکید کند، در حالی که نه در فلسفه وجودی جمهوری اسلامی مقوله جمهوریت

سه سازمان فعال در زمینه امور زنان

عضویت رژیم ایران

در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را محکوم کردند

مضاعف و چنگدانه (جنسیتی) — اتنیکی — مذهبی) هستیم و با اعمال ستم سیستماتیک در حاشیه و محرومیت نگه داشته شده‌ایم؛ این انتخاب سیاه سازمان ملل را قویا محکوم می‌کنیم و خواهان برکناری عضویت این رژیم ضدزن در این کمیسیون هستیم. ما این انتخاب سازمان ملل و کشورهایی که به آن رای داده‌اند را غیراخلاقی و ضدزن می‌دانیم و تا زمان برکناری جمهوری اسلامی از عضویت در این کمیسیون، سازمان ملل را در کنار ضدزن ترین سیستم دنیا علیه زنان و پشت کردن به اهداف برابری جنسیتی در جهان تعریف می‌کنیم.

اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران
سازمان صدای زنان اهوازی
تشکل همدلین بانکان
۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر با
۲۵ آپریل ۲۰۲۱ میلادی

زن تأکید کرده‌اند که علیه این انتخاب "شرم‌آور" به شدت مبارزه خواهند کرد. اینکه چرا بدترین کشور دنیا برای زنان با حاکمیتی که در دوران بیش از ۴۲ ساله خود جزء نقض حقوق، سرکوب، جنس دوم بودن، تحقیر، تبعیض و محدودیت چیزی برای زنان نداشته، باید بر برابری جنسیتی در دنیا نظارت کند، نه تنها عجیب و جای سوال است؛ بلکه باید عملکرد سازمان ملل و کشورهایی که به این انتخاب رای مثبت داده‌اند به چالش کشیده شود و پرسید این مشروعیت بخشیدن به ضدزن‌ترین نظام دنیا درمقابل چیست؟ این انتخاب در شرایطی است که همین دو ماه اخیر گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران اعلام کرده بود، در جمهوری اسلامی با زنان "مانند شهروندان درجه دو رفتار می‌شود". پس این دهن‌کجی به میلیون‌ها زن ایرانی به چه قیمتی استو آیا سازمان ملل برابری جنسیتی در دنیا را به حراج گذاشته است؟ ما سه سازمان و تشکل زنان ملیتهای تحت ستم جمهوری اسلامی، که در ایران تحت تبعیض



سه سازمان زنان ملیتهای تحت ستم جمهوری اسلامی، عضویت این کشور را در کمیسیون مقام زن سازمان ملل محکوم کردند.

دیدبان حقوق بشر که بر عملکرد سازمان ملل متحد نظارت می‌کند، عضویت جمهوری اسلامی را "روزی سیاه برای حقوق زنان و حقوق بشر" خواند و هیلل نویر، مدیر اجرایی این سازمان این انتخاب را "عجیب و از نظر اخلاقی غیر قابل قبول" خواند. انتخابی که با انتقاد و خشم شدید فعالین حقوق بشری و زنان نیز روبرو بوده و بسیاری از فعالین

جمهوری اسلامی ایران با کسب ۴۳ رای همراه کشورهای ژاپن، لبنان، پاکستان و چین برای دوره چهارم ساله ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۶ میلادی به عنوان عضو این کمیسیون انتخاب شد. کمیسهونی که هدف "برابری جنسیتی و کمک به پیشرفت زنان" را در دستور کار خود دارد و برخی آن را بالاترین مقام نظارتی در حوزه زنان در سازمان ملل متحد توصیف می‌کنند.

روز یک‌شنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰، ۳ سازمان فعال امور زنان ملیتهای تحت ستم رژیم ایران، " اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران، سازمان صدای زنان اهوازی و تشکل همدلین بانکان " طی بیانیه‌ای عضویت رژیم ایران را در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد را محکوم کردند. در جریان شصت و پنجمین نشست کمیسیون مقام زن سازمان ملل،

اتحادیه زنان دمکرات کردستان ایران، سازمان صدای زنان اهوازی و تشکل همدلین بانکان طی بیانیه‌ای عضویت رژیم ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را محکوم کردند. متن بیانیه بدین شرح است: سه سازمان فعال زنان ملیتهای غیر فارس عضویت رژیم ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را محکوم کردند

۷۰ افسر کورد کرکوک به دلیل شرکت در همه‌پرسی سال ۲۰۱۷ اقلیم به دادگاه نظامی احضار شدند



مذکور باید در دادگاه‌های محلی محاکمه شوند. دولت اقلیم کردستان در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۷ میلادی همه‌پرسی برای جدایی از عراق و تاسیس کشوری مستقل در استان‌های "اربیل، سلیمانیه، دهوک و برخی مناطق مورد مناقشه میان دولت مرکزی و دولت محلی اقلیم برگزار کرد"، اقدامی که منجر به گسیل نیروهای عراقی برای بازپس‌گیری شهرهای مورد مناقشه از جمله کرکوک شد. همزمان با برگزاری همه پرسی، رژیم ایران و ترکیه دو همسایه بزرگ کردستان عراق مخالفت خود را با این اقدام ابراز و مرزهای خود را بر روی اقلیم بستند. دولت مرکزی عراق هم همه پرسی را غیر قانونی خواند و اقدام به بستن حریم هوایی به روی فرودگاه‌های اقلیم کردستان کرد.

پس از چهار سال از برگزاری همه پرسی اقلیم کردستان برای ایجاد کشوری مستقل، ۷۰ افسر کورد در استان "کرکوک" به دادگاه نظامی این شهر احضار شده‌اند. در همین رابطه سیاسیون کورد این اقدام را گامی کاملاً سیاسی دانسته و از اقدام دولت عراق در گشودن مجدد این پرونده انتقاد کردند. "عبدالباری زیباری"، از رهبران اتحادیه میهنی کردستان و نماینده پارلمان عراق در گفت‌وگو با "العربی الجديد" درباره این اقدام تصریح کرده است: "این اقدام، گامی سیاسی به شمار می‌رود و بر اساس رویکردی سیاسی انجام شده و مسأله‌ای قضایی نیست." "زیباری" گفته است: "بر اساس قانون عراق اگر فردی مرتکب جرمی شد، باید منحصرأ در همان منطقه مورد مجازات قرار بگیرد؛ این بدین معناست که افسران

دو مزدور رژیم ایران در مریوان کشته شدند

در درگیری میان یکی از احزاب کورد اپوزیسیون رژیم ایران و نیروهای سپاه پاسداران در مریوان دو جاش کشته شدند.

هویت این دو مزدور معدومی "عثمان جهانی" و "ناصر امینی" عنوان شده است. قرارگاه حمزه سپاه پاسداران رژیم ایران طی اطلاعیه‌ای کشته‌شدن این دو مزدور را تأیید کرده است. تاکنون هیچکدام از احزاب کورد اپوزیسیون رژیم ایران، مسئولیت این درگیری را برعهده نگرفته‌اند.

مشکل مکان برای دفع زباله در شهرهای "شنۆ و هرسین"



منطقه را به مکان دفع زباله‌های شهری تبدیل کند و در این رابطه بخشداری و دیگر ادارات زیربط شهر "نهلۆس" هیچ واکنشی نشان نداده و سکوت اختیار کرده‌اند. در همین زمینه در شهرستان "هرسین" استان "کرماشان" زباله‌های شهری در ۵۰۰ متری شهر تخلیه می‌شوند و این مردم را با مشکلات زیادی مواجه کرده است.

به گفته شهروندان "هرسین" شیرابه این زباله‌ها به آب آشامیدنی شهر نفوذ می‌کند که بسیار خطرناک بوده و تهدیدی جدی بر سلامتی مردم شهر می‌باشد.

شهروندان "هرسین" برای حل این مشکل چندین بار به نهادهای مرتبط رژیم مراجعه کرده‌اند که بی تفاوت بوده و هیچگونه رسیدگی نکرده‌اند.

"شنۆ" برای حل این مشکل در منطقه "کانی‌شیلان" از توابع شهر "نهلۆس" در کنار جاده "شنۆ" به "پیرانشار" مکانی را مشخص کرده است که مشکلات زیادی برای زمین‌های کشاورزی منطقه به وجود آورده و همین نارضایتی شدید مردم را در پی داشته است. براساس گزارش رسیده به وبسایت "کوردستان‌میدیا" فرماندار رژیم در این شهر در تلاش است به زور این

شهرداری "شنۆ" مدت زیادی است نتوانسته مکانی برای دفع زباله‌های این شهر تعیین کند. در سال‌های اخیر به دلیل نبود مکانی مختص برای دفع زباله، شهرداری این شهر برای جمع‌آوری زباله‌های شهری و روستاها هیچ اقدامی نکرده و این علاوه بر برهم زدن سیمای شهر، سلامتی مردم را نیز تهدید می‌کند. "مام‌عیزی" فرماندار رژیم در

باجگیری شهرداری جوانرود از دستفروشان این شهر

با وجود پتانسیل‌های اقتصادی فراوان کردستان، رژیم ایران با غارت و نابود کردن سیستماتیک منابع کردستان سعی در فقیر نگه‌داشتن مردم دارد و مردم ناگزیر به شغلهای کاذب روی می‌آورند که با سرکوب و ممنوعیت و باجگیری نهادهای رژیم مواجه می‌شوند.

جوانرود از تصمیم گیرندگان تعیین باج از دستفروشان این شهر می‌باشد. مردم شهرهای مختلف کردستان به دلیل بیکاری و مشکلاتی که رژیم ایران برایشان به وجود آورده مجبور هستند با مشخص کردن مکان و ساعت مشخصی در شهرها و در فصل‌های خاصی مانند بهار به صورت دستفروش امرار معاش کنند.

شهرداری جوانرود برای اجازه دستفروشی در این شهر پرداخت مبلغ ۱۰ میلیون تومان را تعیین کرده است. شهردار رژیم در "جوانرود" در حالی این باج را از مردم دریافت می‌کند که مردم به دلیل گرانی روزافزون توانایی خرید ندارند و همین دلیلی بر بی رونقی بازار و بحران معیشت دستفروشان بدل شده است. "فرهاد تابزر" شهردار رژیم در

احمد دلزار

شاعر نام آشنای کورد در گذشت



ترجمه کرده است. "احمد دلزار" در سال ۱۹۷۰ به عضو اتحادیه نویسندگان کورد منتخب شدند.

ایشان یکی از اعضای دور نخست شورای قانونگذاری حکومت اقلیم کردستان بودند.

"دلزار" آخرین اثر ادبی خود را با نام "گلچینی از اشعار دلزار" در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد.

"احمد دلزار" در سال ۱۹۲۰ میلادی در شهرستان کویه در اقلیم کردستان متولد و در سن ۱۰۱ سالگی در یکی از بیمارستان‌های شهر "هولیر" بر اثر بیماری درگذشتند.

"دلزار" فارغ از این که دارای بیش از صدها شعر به زبان کوردی و عربی است، نوشته‌ها و خاطرات فرهنگی "باباطاهر همدانی" را نیز که با گویش "لری" به تحریر در آمده است به کوردی "سورانی"

کاهش سهمیه گازوئیل، کشاورزان مناطقی از شهرستان "سنه" را با مشکل مواجه کرده است



کشاورزان منطقه "هسه‌ن‌ئاوا" شهرستان "سنه" به دلیل کاهش گازوئیل از سوی مسئولان رژیم دچار مشکل شده‌اند و هیچ یک از ادارات زیربط حاضر به پاسخ‌دهی نیستند. براساس گزارشات رسیده به "کوردستان"، برای هر تراکتور ۶ سیلندر هزار لیتر گازوئیل برای مدت ۳ ماه و برای تراکتور ۴ سیلندر ۸۰۰ لیتر سهمیه گازوئیل

اختصاص داده شده است. این سهمیه‌بندی درحالی است که یک تراکتور ۸ سیلندر طی یک روز کاری ۱۰۰ لیتر گازوئیل مصرف می‌کند. این مشکل گریبان‌گیر تمامی کشاورزان مناطق مختلف شهرستان "سنه" شده است و علاوه بر استانداری "سنه"، اداره جهاد کشاورزی و شرکت نفت نیز حاضر به پاسخ‌دهی به کشاورزان نیستند.

ادامه سخن

پیش سنگین‌تر کنند. در صورتی که دستگاه‌های امنیتی سرکوبگر رژیم احساس کنند که جوانی کورد اندک میل و رغبتی نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی داشته یا نشانی از رنگ جریانی انقلابی و ملی‌گرا را داشته باشد، همه توان خود را به کار گرفته تا بتوانند او را بازداشت و شکنجه کنند؛ سوال این‌جاست که چرا گروهی تندرو وابسته به جریانی جهادی همچون القاعده و داعش در کردستان آشکارا فعالیت کرده و در مساجد شناخته شده شهرهای کردستان تجمع کرده و گهگداری هم با انجام مانوری قدرت خود را به رخ می‌کشند و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی رژیم نیز از اقدامات آنان چشم پوشی کرده و همچون تماشاگری نظاره‌گر مانور آن‌ها هستند!

ممکن است این سوال پیش بیاید که خود سپاه تروریست پاسداران و دستگاه اطلاعات و ده‌ها اداره سرکوبگر در کردستان حضور دارند که همه هم در چهارچوب سیستم سرکوبگر جمهوری اسلامی عمل کرده و ملت کورد را سرکوب می‌کنند، دیگر چه احتیاجی به این گروه‌های تندرو دارد؟ به معنایی دگر وقتی خود دستگاه ولایت فقیهیی مستقیم با ملت کورد می‌جنگد، دیگر چه نیازی به جنگ نیابتی و وکالتی دارد؟ جواب این جاست که رژیم با همه توان و امکانات خود نتوانسته جریان انقلابی و ملی‌گرایی را در کردستان تضعیف کند، بلکه جامعه کردستان امروز بیش از ده‌های گذشته جذب گفتمان هویت‌خواهی و مبارزه حق طلبانه شده و جمهوری اسلامی به دنبال این است تا با کاشتن تخم ناخلف در بستر جامعه کردستان، توان و پتانسیل‌های آن را منحرف کرده و نیروی دست‌نشانده و تندخویی را که چیزی از منطق و انسانیت حالی نیست را واداشته تا به جنگ تفکر ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی ملت کورد برود. با ضدغفونی کردن، این افکار و سازمانهای افراطی و تروریستی را از کردستان پاک کنیم.

روحانیون در کمین قدرت

پرویز جباری

بخش اول

با رسمی شدن تشیع به عنوان مذهب رسمی صفویان در ایران و شکل گرفتن قدرت سیاسی — مذهبی توأم در نظام شیخ سیاسی صفویان علاوه بر علمای وابسته به دربار، علمای دیگر که مستقل بودند در این دوران رشد کردند. عده ای از علما شامل کسانی می شدند که از حکومت، مستقل تر بودند و منصب دولتی نداشتند. اما در مدارس علمیه یا مسند قضاوت، که ایشان اداره می کردند. به تدریس ، موعظه و قضاوت مشغول بودند و مخارج خود را نیز از محل عواید وقف یا هدایای مالی مقلدین خود به دست می آوردند «». (ریشه‌های انقلاب ایران، نیکی آر. کدی، ترجمه، عبدالرحیم گواهی، ۴۱) تقویت و استحکام روحانیت شیعه در ساختار سیاسی و حقوقی نظام صفوی، زمینه را برای شکل گیری نحله های فکری در تشیع ایجاد کرد. نحله هایی با قرائت از متون فقهی شیعه و بحث های کلامی راه را برای پاسخ دادن به کارکرد و وظایف حکومت و قدرت در زمانه غیبت را مطرح می کردند.این مکتب های شیعی به دلیل نزدیکی به قرائت های رسمی قدرت به سیاست و مذهب چالش و بحث های مختلفی را به سطح مناقشات می کشید. هرچند که این مکاتب با قدرت سیاسی شیعی در ارتباط و همزیستی بودند،اما با شکست صفویان از تهاجم سنی های خراسان به رهبری محمود افغان دوران نزول و افت این مکاتب در قدرت و نقش آنها در حوزه اجتماعی و عمومی آغاز شد. تحولات و دگرگونی قدرت بعد از آن در ایران منجر به تقویت قدرت مکتب اصول گرایان شد. برتری مکتب اصولی شیعیان به دنبال مرگ نادر و در دوران کریم خان زند نقطه اوج تشیع می باشد. "در پی سقوط صفویه دوران هرج و مرج سیاسی و فکری برای روحانیون شیعه آغاز می شود که بیشتر از نیم قرن طول می کشد. بیشتر روحانیون به تدریج به رهبری طبقات پایین جامعه تنزل پیدا می کنند. چون در صددحفظ پشتیبانی از طبقات محروم بودند خود را خدمتگزار محرومین معرفی کردند. به جمع آوری حریصانه صدقات و وجوه شرعی همت گماشتند. به عنوان حکام شرع و اداره کنندگان امور قضایی می کوشیدند همیشه حق را به جانب بیسویان بدهند تا در آینده،روزی از حمایتشان برخوردارشوند."(سه سال در آسیا،کنت دو گوپینو،عبدالرضا هوشنگ مهدوی،۲۳۱).البته این وضعیت با میزان قدرت و اقتدار پادشان قاجار در حال تغییر بوده است. در برخی از این دوران قدرت پادشاه در اداره و سازمان دهی نقش روحانیون بسیار موثر بوده است. اما

با این حال همواره یک نوع حمایت و پشتیبانی از سلطنت و قدرت از سوی روحانیون مشهود بوده است. با این حال همواره در میان نحله های تشیع نسبت به مشروعیت و قدرت پادشان بحث و اختلاف نظر بوده است. بدین شکل که دوران غیبت ، پایه بحث های آنان برای ورود به موضوع قدرت سیاسی می گردد. "اصوليون عقیده دارند که معتقدان به مذهب باید در امور دینی از مجتهد اعلم تقلید کنند . اما اخباری ها ، ضمن رد مرجعیت مجتهدان ،معتقد بودند در غیبت امام دوازدهم ، کسی حق صدور حکم و فتوا ندارد. پیروزی نهضت اصولی بر اخباریون پایه اقتدار و مرجعیت مجتهدان اعلم راهموار کرد. اینان از دولت ، مستقل بودند . و عواقب سیاسی این تحول در جنبش های اجتماعی اواخر قرن نوزدهم دیده شد. "(جان فورن ،مقاومت شکننده،ترجمه،احمد تدین، ص ۱۴۱)این موضوع ، برتری مجتهدین اصولی بر اخباریون ، باعث اهمیت پیدا کردن جایگاه رفیع اجتماعی و حقوقی برای آنان شد . استقلال مالی که نتیجه ، وجوهات شرعیه ، خمس و درآمدهای حاصله از وقف ، این پایگاه علمای شیعه را بیشتر تقویت نمود. همچنین در دوران قاجار هم ، روحانیون به دلیل استقلال مالی ، تضعیف قاجاریه ، به علت شکست های متمادی در برابر روسیه و قدرت های بزرگ، گشترش نفوذ روحانیون در میان جامعه و مردم، و نیز نقش انحصاری روحانیون شیعه در اموری مثل، آموزش، قضاوت و تزکیه دینی افزایش یافت. این امر باعث بالا رفتن اهمیت سیاسی و اجتماعی آنان گردید. روحانیون در قضاییایی چون تحریم تنباکو و مشروطه، دارای نقش ویژه خود بودند. "موفقیّت علمای شیعه در نهضت تنباکو ، راه را برای دخالت مؤثر آنان در جنبش مشروطه باز کرد. و آنان در این نهضت، دوشادوش روشنفکران، بازاریان و ملاکین، رهبری حرکت را برعهده داشتند، البته آنان چیزی در مورد حکومت مشروطه نمی دانستند. و در آغاز، مانند روشنفکران در جستجوی نوعی حکومت مشروط

به سبک پارلمانتاریسم در غرب نبودند، بلکه صرفا عدالت خانه می خواستند."(فریدون آدمیت، ایدئولوژی انقلاب مشروطه در ایران، ۴) با این حال طولی نکشید که مسیر مشروطه و روحانیون دینی به دلیل مبانی فکری و آرمان های اجتماعی و سیاسی از همدیگر جدا می شود. بخشی از آوندها به رهبری شیخ فضل الله نوری با پیش کشیدن مشروعه و حمایت از استبداد با تمام توان در برابر مشروطه قرار می گیرند. انحراف و غلتیدن مشروطه به سوی اندیشه های ایران شهری، ضعف نهادهای برآمده از مشروطیت، ناکارآمدی دولت ها و نیز قدرت های بزرگ راه را برای روی کار آمدن یک نظام مرکز گرا و وابسته ایجاد کرد. بدین شکل، مشروطه از مسیر اولیه خود خارج گردید. تضاد بعدی روحانیت با مبانی فکری اندیشه های مشروطه در کنار ناکامی مشروطه خواهان در پیشبرد اهداف، راه را برای کسانی مهیا کرد که برخی از شعارها و مطالبات صرفا تجدد خواهانه از مشروطه را بدون مبانی حقوقی، اجتماعی و فکری می پذیرند. بدین صورت درگیری ها و کشمکش های پارلمانی و فکری دوران بعد از مشروطه زمینه را برای روشنفکران با اید های ناسیونالیسم فاشیست گرا مهیا نمود، تا با اعمال اندیشه ها و افکار واپس گرایانه خود روح دموکراتیک، تحول خواه،عدالت گرایانه و استبداد ستیز مشروطیت را از بین ببرند. این زمینه ها، بستر را برای روی کار آمدن رضا شاه و کودتای متعاقب آن مهیا ساخت که حمایت قدرت استعماری انگلیس تمام کننده این شکست برای ملت های ایران جهت برخورداری از آرمان های مشروطه شد. در دوران رضا شاه سیاست های سرکوب گرانه ، تجدد خواهانه و حاکمیت استبدادی به همراه جو رعب و سرکوب ، باعث بسته شدن زمینه های فعالیت، نیروهای سیاسی، احزاب، فعالین چپ و روحانیون گردید. در این دوران علمای شیعه، دچار یک نوع انزواگرایی می شوند. رضا شاه با تاکید بر تمرکز گرایی،

سکولاریسم و اصلاحات غرب گرایانه، چون ایجاد مدارس جدید، ضوابط و قوانین جدید مالیاتی، تأسیس سیستم جدید قضایی، یعنی کاسته شدن اهمیت روحانیون در قضاوت و آموزش، اهمیت کارکردی اجتماعی و سنتی روحانیون را در پی داشت. اصلاحات مختلف رضاشاه، در زمینه های مختلف و سرکوب تمام مخالفان و از جمله روحانیون و علمای دینی، آنها را به سوی انزوا و بحث های تئوریک و مذهبی کشاند. " در سالهای ۳۲-۲۰، با فروپاشی ساخت دولت رضا شاهی، نیروهای اجتماعی — سیاسی سرکوب شده ، از آن جمله روحانیون رها شدند و بخشی از نفوذ از دست رفته را دوباره به دست آورند. این نفوذ در دوران حکومت جبهه ملی دکتر مصدق که ائتلافی از احزاب عمده طبقات متوسط جدید و قدیم با گرایش های مذهبی و غیر مذهبی بود، گسترش یافت. (حسین بشیری، جامعه شناسی سیاسی،۲۴۴) در دهه بیست و نیز در دوران رضا شاه نقد و به چالش کشیدن اعتقادات شیعه از سوی برخی از نویسندگان و منتقدان دین شروع شده بود و بر این عقیده بودند همانند روشنفکران دوران مشروطه که دین مانع اساسی برای پیشرفت و توسعه جامعه و ایران است. به طور مثال حکمی زاده در کتاب اسرار هزار ساله با طرح پرسش هایی به انحرافات، خرافات، موضوع امامت، دوران غیبت و بسیاری از مبانی و عقاید شیعیان امامیه می پردازد که موج و تاثیر عظیمی در جامعه می گذارد. این نقدها و به چالش کشیدن عقاید انحرافی روحانیون شیعه برای کسب موقعیت خود و در جهل نگه داشت باورمندان و مردم بعدها توسط نویسندگانی چون صادق هدایت، احمد کسروی و دیگران تداوم پیدا کرد. بسیاری از روزنامه نگاران و روشنفکران با اسناد به چنین موضوعاتی به تقویت اندیشه های تجدد و روشنگری در جامعه دهه های بیست و سی در ایران کمک کردند. هر چند خمینی ردیه ای بر این کتاب حکمی زاده نگاشت اما در دهه ۲۰ و ۳۰ کسی به



پاسخ خمینی توجه نکرد و آن را جدی نگرفت ولی خمینی بعدها در تبعید و در نجف کتاب "ولایت فقیه، را در سال ۴۸ نوشت که به نوعی تداوم همان اندیشه در کتاب "کشف الاسرار" دهه بیست است وعقیده و باور سیاسی خود را درآن بسط می دهد. خمینی در کشف الاسرا می گوید:امام دوازدهم مسؤولیت حفظ امت را به مجتهدان واگذار کرده‌است؛ هر چند مجتهدان باید خود را از دولت دور نگه دارند و آن را چون ش لازم قلمداد و تحمل نمایند." خمینی در کشف‌اسرار اقتدار سیاسی عالی برای علما در نظر می گیرد، اما تنها هنگامی می‌بایست آن را به کار بندند که حکومت آشکارا به حریم شریعت تجاوز می‌کند. به نوعی می توان گفت: قدم گذاشتن پهلوی دوم در پروژه انقلاب شاه و مردم و نیز برنامه ها و پروژه های کلان برای بازگشت به ایران قبل اسلام با بهره گرفتن از برخی از ایدئولوگ های اسلامی، ایرانی و غربی همان نقطه تجاوز به حریم شریعت می باشد که خمینی روحانی سنتی و سیاسی آن را مشخص کرده بود برای مجتهدان "ما ذکر کردیم که هیچ فقیهی نگفته تا کنون و در کتابی هم ننوشته که ما شاه هستیم. یا نگفته که سلطنت حق ماست. آری آن طور که ما بیان کردیم، اگر سلطنت و حکومتی تشکیل شود، هر خردمندی تصدیق می‌کند که آن خوب است و مطابق با مصالح کشور و مردم است. البته بهترین تشکیلات آن است که بر اساس احکام خدا و عدل الهی باشد، لکن اکنون که آن را از آن‌ها نمی‌پذیرند، این‌ها هم با این هیچ‌گاه مخالفت نکرده و نمی‌خواسته‌اند که اساس حکومت را برهم بزنند. " (روح‌الله خمینی، کشف‌اسرار،۱۸۶) تداوم سیاست های تجدگرایانه و بازگشت به هویت ایران پیش از اسلام در دوران پهلوی دوم و نیز حمایت و سیاست دستگاه سلطنت از تفکر اسلام ایرانی و به نوعی شیعه گرایی برای مقابله با غرب زمینه را برای رشد و مشارکت بسیاری از اسلام گرایان روحانی و غیر روحانی در دستگاه قدرت و ایدئولوژی حکومت مهیا کرد.

کوردستان

این پروژه در ارتباط با حمایت های انجمن و فلسفه و مبلغان ایران شهری از سوی دربار و نهادهای وابسته به آن تبلیغ و تامین بودجه و منابع می شد. همین وضعیت برخی از جریانات سیاسی مذهبی را در برابر برنامه ها و سیاست های نظام که در اساس با اسلام ایدئولوژیک و سیاسی در تضاد می بود قرا می دهد که مخالفت های دهه چهل با برنامه های نوگرا و پیشرو انقلاب شاه و مردم آنان را روبرو می کند.

تشدید روند نوسازی به شیوه غربی، غرب گرایی فرهنگی، بازگشت به میراث های فرهنگی، تدوین تاریخ ایدئولوژی سلطنت قبل از اسلام، در کنار سیاست های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که محمدرضا شاه پیگیری می کرد به نوعی مخالفت و ضدیت با نهادهای سنتی ، مذهبی و اجتماعی روحانیون را درپی داشت. بنابراین یک نوع سرخوردگی سیاسی — اجتماعی برای روحانیون و اسلام گرایان ایجاد شد. فاصله گرفتن از هویت های فرهنگی، بومی و اسلامی از سوی ایدئولوژی سلطنت و نزدیک شدن به فرهنگ غربی و تجدد گرایی توسط شاه، سبب در پیش گرفتن موضع گیری های مختلف سیاسی — اجتماعی و فرهنگی از سوی نیروهای سیاسی ، مخالف گردید. از یک سوی چپ گرایان با سازمان ها، احزاب و حلقه های روشنفکری مختلف خود و از سوی دیگر روحانیون بنیاد گرا، اسلام گرایی ایدئولوژیک که دغدغه دین و ماهیت اجتماعی آن را داشتند را در برمی گرفت. طی دهه های ۴۰ و ۵۰ شاه از قدرت دولت وبرنامه های نوسازی، برای حمله به روحانیون شیعه استفاده کرد. اصلاحات شاه در قالب، انقلاب سفید شاه و مردم، به کار ویژه های اجتماعی، اقتصادی، آموزش مهم سنتی علما لطمه وارد کرد. به دنبال شورش پانزده خرداد ۴۲، فضای سیاسی ایران، هرچند یک دوران سرکوب و وحشت را ایجاد کرد. ولی مهمترین دستاورد آن به نفع اسلام گرایان و مخالفین رادیکال که دیدگاههای ایدئولوژیک داشتند، تمام شد. از این دوران به بعد تمایل به سوی مبارزه زیرزمینی و جنگ های مسلحانه با ایدئولوژی های مختلف بیشتر می شود. این بستر و زمینه ای می گردد تا برخی از روشنفکران دینی با گرایش های اسلامی و موعد گرایانه به همراه روحانیون و اسلام گرایان رادیکال و سیاسی قدم به سوی تدوین یک ایدئولوژی از اسلام برای مبارزه با نظام پادشاهی و اندیشه های غربی در ایران بردارند. آنان با داشتن تجربه های از اسلام رادیکال و ارتجاعی در قالب حزب فدائیان اسلام و غیره در کنار همراهی با جنبش های اسلامی در جهان عرب به حمایت از قضیه فلسطین، بیشتر به سوی بهره مند شدن از اسلام به عنوان ایدئولوژی مبارزه کشیده شدند.

تلاش رژیم های متجاوزگر در کوردستان در ایجاد تفرقه با شکست مواجهه شده است



پیشوا صالحی

اگر به تاریخ پر فراز و نشیب مبارزات چندین ساله و بی وقفه ملت کورد نگاهی داشته باشیم اکثر جنبش هایی که با متجاوزگران خاک کوردستان به مبارزه پرداخته‌اند اهدافی مشترک یا در یک راستا را دنبال کرده‌اند اما متأسفانه دشمنان و متجاوزگران خاک کوردستان با استفاده از ترفندهای گوناگونی همچون ترویج اختلافات عشیره‌ای، دینی، مذهبی و منطقه‌ای موجبات اختلافات در میان این جنبش ها را فراهم ساخته‌اند به گونه‌ای که نیروی جنبش های مبارزاتی که دارای اهدافی مشترک و در یک راستا بوده‌اند و در اصل می بایست در مقابل دشمنان ملت کورد به کار گرفته می شدند را برای نابودی یا ضربه زدن به یکدیگر به کار گرفته می شد.

در تاریخ مبارزاتی ملت کورد جنبش های مبارزاتی فراوانی وجود داشته‌اند که با رشادت و فداکاری مردم مبارز و آزادیخواه ملت کورد در آستانه‌ی پیروزی قرار گرفته‌اند اما به دلیل عدم اتحاد و همبستگی هیچ گاه نه تنها به نتیجه‌ای مطلوب نرسیده‌اند بلکه موجب رقم خوردن اختلافاتی شده‌اند که دشمنان و متجاوزگران خاک کوردستان حتی امروزه نیز از آنها برای جلوگیری از اتحاد و همبستگی ملت کورد استفاده به عمل می آورند.

استراتژی که دشمنان ملت کورد به درازای تاریخ برای سرکوب و

جلوگیری از به قدرت رسیدن جنبش های مبارزاتی از آن استفاده به عمل آورده‌اند برگرفته از جمله‌ی فلیپ دوم پادشاه انگلیس است، تفرقه بینداز و حکومت کن!

این استراتژی بدین معنی است که سردمداران متجاوزگر خاک کوردستان جنبش های در حال مبارزه را با برخی عناوین برجسبزی و به چند دسته متضاد تقسیم‌بندی می کردند و از نیروی خود جنبش ها بر علیه یکدیگر استفاده به عمل می آوردند، این راهکار هم مانعی بود برای جلوگیری از فشار جنبش های مبارزاتی و هم از میان برداشتن یا ضعیف کردن آنها بدون صرف کردن هزینه و تلفات!

گذر زمان و پیشرفت تکنولوژی تغییراتی را در سیستم حکمرانی متجاوزگران خاک کوردستان و همچنین در شیوه و فورم مبارزاتی

ملت کورد پدید آورده است به گونه‌ای که جنبش های مبارزاتی در کوردستان به احزاب مدرن دارای برنامه و تفکرات سیاسی و متجاوزگران خاک کوردستان نیز از قالب امپراتوری و پادشاهی به حکومت هایی پیشرفته با نظامی سیاسی تبدیل شده‌اند، هر چند با گذر زمان شیوه و فرم حکمرانی متجاوزگران خاک کوردستان تغییر کرده است اما ذهنیت حاکمان فاشیست در راس قدرت همچنان همانند حکمرانی می باشد که صدها سال است خاک کوردستان را اشغال کرده‌اند و برای ماندگاری و تکیه بر منصب قدرت همچنان از همان استراتژی قدیمی تفرقه بینداز و حکومت کن استفاده به عمل می آورند.

اگر به تاریخ پیدایش احزاب مدرن تا به امروز در کوردستان نگاهی داشته باشیم بیشتر احزاب مبارز

(بجز عده‌ای محدود) برای یک هدف کلی تلاش کرده‌اند که آن هم آزادی خاک و مردم کوردستان و ایجاد جامعه‌ای مرفه و برابر می باشد، هر کدام از این احزاب برای رسیدن به این هدف مهم استراتژی و برنامه‌ی سیاسی مورد نظر خود را دنبال می کنند. با توجه به اینکه بیشتر احزاب مدرن در کوردستان دارای سیستمی دموکراتیک و سکولار می باشند، تلاش رژیمهای متجاوزگر در کوردستان در ایجاد تفرقه از طریق اختلافات دینی و عشیره‌ای با شکست مواجهه شده است به همین دلیل از روشهای دیگری برای ایجاد تفرقه در میان احزاب وارد عمل شده‌اند که می توان ایجاد تفرقه به وسیله‌ی به چالش کشاندن به‌رنامه و استراتژی احزاب اشاره کرد. در این راستا رژیم های متجاوزگر

خاک کوردستان همواره در تلاش بوده‌اند که از طریق تنوع در تفکرات افراد سیاسی و اعضای احزاب و همچنین گوناگونی برنامه‌ی سیاسی و استراتژی احزاب مبارز به اختلافاتی دامن بزنند که موجب دور شدن ذهنیت اعضا و احزاب سیاسی از هدف مشترکشان شود، متأسفانه در این رابطه می توان گفت که تا حدودی موفق عمل کرده‌اند و موجب ایجاد اختلافاتی شده‌اند که ارتباطات و همکاری احزاب را با مشکل روبه‌رو ساخته‌است و در مواردی نیز موجب انشعاب در بدنه‌ی احزاب اصیل و تاثیرگذاری شده‌اند که در مبارزات ملی دموکراتیک ملت کورد نقش اساسی را اجرا کرده‌اند. برای عبور از دسیسه دشمنان و جلوگیری از اختلافات و ایجاد اتحاد و همبستگی در میان

ملت کورد، پایبند بودن به اصول دموکراسی و همچنین جهانی‌بینی احزاب و فعالان سیاسی و اعضای احزاب در رابطه با هدف مشترکی که برای آن تلاش می کنند بسیار مهم و الزامی می باشد، بدین معنا که باید احزاب و فعالان سیاسی و اعضای احزاب، فرهنگ احترام به تفکرات جدا از تفکرات خود را ارتقا دهند و با احساس مسئولیت به جنبش های مبارزی بنگرند که هدفشان آزادی مردم و خاک کوردستان می باشد.

بدون شک اتحاد و همبستگی مردم، احزاب و فعالان سیاسی و ارجعیت دادن به منافع ملی بر منافع حزبی و تلاش برای رسیدن به هدف مشترک ملت کورد، راه را برای عبور از متجاوزگران و آزادی کوردستان هموار می سازد.

رژیم ایران در صدد است اقلیم کوردستان را به میدان جنگ با اسرائیل تبدیل کند



واکنش شدید بیشتر کشورهای غربی و منطقه را در پی داشت. رژیم ایران بیش از ۴۰ سال است شعار نابودی اسرائیل را بر سر زبان دارد ولی تاکنون گلوله‌ای به سمت اسرائیل شلیک نکرده است و با قربانی کردن مردم منطقه و برجسب زدن در تلاش است خود را برمنطقه تحمیل کند.

این روزنامه به حمایت رژیم ایران از شبه‌نظامیان تحت نفوذ خود در عراق برای ناامن کردن اقلیم کوردستان به مانند جنوب عراق اشاره کرده است که برای این کار بهانه‌جویی می کنند. چهارشنبه شب گذشته فرودگاه بین‌المللی "هولیز" به وسیله یک پهباد مورد حمله قرار گرفت که

روزنامه "العرب" در گزارشی نوشته است، بخشی از تنش‌های رژیم ایران و اسرائیل مشکلاتی را برای کشورعراق و بخصوص اقلیم کوردستان در پی خواهد داشت. مقامات حکومت اقلیم کوردستان نیز در رابطه با ناآرام کردن منطقه توسط شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران ابراز نگرانی کرده‌اند.

انتخابات رژیم و متوسل شدن سران رژیم به خودزنی سیاسی



خوانده بود.

بحران‌های مداوم به دلیل سیاست‌های غلط رژیم ایران در سطح‌های داخلی منطقه‌ای و جهانی که گریبان مردم ایران را گرفته است موجب آشکار شدن بیش از پیش محتوای رژیم برای مردم شده است که رژیم با انتشاراسناد از طبقه‌بندی خارج شده چنین سناریوهایی را برای شرکت مردم در انتخابات طراحی می کند.

سخنرانی روز یکشنبه گفته بود وزارت امور خارجه فقط مجری است و هیچ صلاحیتی ندارد را اصلاح کند و این دستگاه را مستقل در تصمیم گیری برای تیرئه سپاه پاسداران رژیم که خامنه‌ای آن را بالادست وزارت خارجه خواند نشان دهد.

پیشتر"علی خامنه‌ای" رهبر رژیم ایران در سخنرانی روز یکشنبه به انتشار این فایل صوتی واکنش نشان داده و حرفهای "ظریف" را تکرار حرفهای دشمنان رژیم

"مجتبی ذولنوری" در رابطه با انتشار فایل صوتی "ظریف" دولت روحانی را به فریب افکارعمومی متهم کرد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم ایران روز سه‌شنبه علت فشار تحریم‌ها را مسئولان وزارت خارجه رژیم خواند که خطوط قرمز در برجام را رعایت نکرده‌اند.

ذولنوری با حمله به وزارت خارجه رژیم ایران سعی کرده است حرفهای خامنه‌ای که در

اصلاحات آخوندی و شارلاتانیسم سیاسی



شارلاتان، به کسی گفته می‌شود که خود را دارای تخصص، توانمندی و دانش ویژگی‌هایی معرفی می‌کند که از آنها بی‌بهره است. کسی که جهت رسیدن به مطلوب خود از دروغ‌گویی و فریب‌کاری پروایی ندارد و با سوءاستفاده از بی‌اطلاعی مخاطبان و یا زودباوری آنان، وعده‌های بی‌پشتوانه و غیر قابل تحقق می‌دهد و مورد خود ادعاهای نادرستی مطرح می‌کند. ظاهراً این واژه برآمده از مفهوم ایتالیایی قرن شانزدهم میلادی است. شارلاتان وصف آتھایی بود که با اغراق، مبالغه، گزافه‌گویی و هیاهو اظهارنظر می‌کردند. بعداً، داروفروشان دوره‌گرد، که گاهی در میادین عمومی دندان‌همدیگر را می‌کشیدند، و نیز کسانی که وعده‌ی مداوای بیماران را در اسرع وقت می‌دادند، شارلاتان خوانده می‌شدند.

در علوم سیاسی، شارلاتانیسم مرام و مسلکی است که در آن افراد یا گروهی خاص، خود را چنان توضیح می‌دهند و تبلیغ می‌کنند که نیستند؛ چنان می‌گویند که باور ندارند؛ چنان وعده می‌دهند که بر تحقق آن، ناتوان هستند.

شارلاتانیسم همچنین ایدئولوژی آتھایی است که پروایی ندارند برای رسیدن به هدفهای خویش،

خود را به دروغ برخوردار از دانش و تخصص و توانمندی‌های ویژه توصیف کنند و وعده‌های نادرست بدهند.

"شارلاتانیسم"، با "عوام‌فریبی"، دارای مشابهت می‌باشند، اما دارای یک مفهوم نیستند. عوام‌فریبها برای کامیابی خود، آگاهانه از احساسات و باورهای مردم، سوءاستفاده می‌کنند و برای جلب توجه مردم و کسب نظر مثبت و رضایت آنان، وعده‌های بی‌پشتوانه می‌دهد و اطلاعات و آمار دروغین بیان می‌کنند، در حالی‌که شارلاتان‌ها، به دروغ توانمندی‌ها و مختصاتی برای خود برمی‌شمارند و تبلیغ می‌کنند تا به پشتوانه‌ی آن‌ها، به مقصود خود نایل آیند.

اما در عوام‌فریبی، عوام‌فریبان تنها به توفیق خود می‌اندیشند و تحقق اهداف خویش را با بزرگ‌نمایی، بازی با کلمات، ارائه‌ی داده‌های نادرست، و نیز سوءاستفاده از

اعتماد مخاطبان، پی می‌جویند. "اقتدارگرایی"، "عوام‌فریبی" و "شارلاتانیسم"، اگرچه طی سالهای گذشته کلیت نظام را در بر گرفته، اما واقعیت این است که دو مفهوم شارلاتانیسم و عوام‌فریبی در شخصیت و رفتار راس هرم نظام یعنی، علی خامنه‌ای، بخوبی دیده می‌شود. طی سالیان متمادی، اصلاح‌طلبان ایرانی مسئول نشر اکاذیب فراوانی بوده‌اند، یکی از این موارد تمرین دموکراسی با رای دادن، در درون یک نظام توتالیتر بوده است که امروزه دروغ رسوای نخمایی شده است.

آنها با زدودن سکولاریسم از دموکراسی و خلق موجودی ناممکن و جعل کلامی یعنی "دموکراسی دینی" و ... می‌خواهند نقاب امروزی بر چهره‌ی کریه یکی از فاسدترین و تمامیت‌خواه‌ترین نظام‌های سیاسی

معاصر بگذارند. یکی از جنبه‌های وقاحت‌آمیز پروفسورهای این مکتب ربا، سواستفاده از عنوان کتابی است که مصاحبه‌ای با کارل پوپر و هربرت مارکوزه (مکتب فرانکفورتی‌ها)، تحت عنوان "اصلاح یا انقلاب!" را در بر می‌گیرد. گویا پوپر طرفدار انقلاب نیست و مارکوزه‌ی انقلابی هم تمام شد! بر این اساس ذهن کم اطلاع اصلاح‌طلبها هم حکم می‌دهد انقلاب هرگز! همیشه اصلاحات!

این فهم از موضوع، بیان‌گر بضاعت فکری و عدم درک مطالب این رفرمیست‌های کذابی در فهم ترم‌ها و مفاهیم سیاسی است، اینکه توتالیترایسم چیست و فرقه‌ش با جامعه باز در چی هست که قرار است در آن مدام رفرم صورت گیرد؟ آیا هر سیستمی رفرم پذیر است؟ رفرم با چه مبانی تئوریکی؟ به چه سمتی؟ به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان

حکومتی فهم درستی از هیچ یک از ترم‌ها نداشته و صرفاً با بلغور عنوان کتاب مذکور و سطحی‌نگری، نتیجه‌ی ایدئولوژیک خود را از موضوع می‌گیرند. حال ببینیم خود پوپر به صراحت چه می‌گوید:

"چنین نیست که من در همه‌ی احوال و در کلیه‌ی شرایط، مخالف انقلاب خشونت‌بار باشم. من هم مانند برخی از متفکران مسیحی قرون وسطا و دوران رنسانس که کشتن حاکمان جبار را جایز می‌دانستند، بر این باورم که واقعا ممکن است در یک حکومت جابر و زورگو چاره‌ای جز این نباشد و در چنین احوال، انقلاب خشونت‌بار را باید موجه دانست. ولی من معتقدم که یگانه هدف هر انقلابی از این قسم باید تاسیس دموکراسی باشد و غرض از دموکراسی چیزی مبهم و

نهادهای امنیتی سه کشور اروپایی: رژیم ایران به دنبال ساخت بمب اتم و سلاح‌های کشتار جمعی است



به جاسوسی صنعتی کرده و عمدتاً به دنبال فن‌آوری پیشرفته سوئدی بوده که می‌تواند در برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. شبکه فاکس نیوز همچنین منتشر کرده است آژانس اطلاعاتی "باواریا" یکی از ایالت‌های جنوبی آلمان، نیز در ماه آوریل سال‌جاری در گزارش سال ۲۰۲۰ خود اعلام کرده بود که کشورهایی مانند ایران، کره شمالی، سوریه و پاکستان در تلاش هستند که زرادخانه تسلیحات کشتار جمعی خود را تولید یا نوسازی کنند.

هدف خود برسد. براساس گزارشی که سازمان اطلاعاتی هلند در ماه آوریل منتشر کرده، شبکه‌های ایرانی که برای به‌دست آوردن دانش و مواد لازم برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی تلاش کرده بودند، کشف شده و با مداخله سرویس‌های امنیتی ناکام مانده‌اند. همچنین سرویس امنیتی سوئد نیز در گزارش سال ۲۰۲۰ خود فاش کرده رژیم ایران به دنبال فناوری سوئدی برای برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود است. بر اساس این سند رژیم ایران اقدام

بر اساس گزارش سازمان‌های اطلاعاتی سه کشور اروپایی آلمان، سوئد و هلند" رژیم ایران طی سال گذشته به کرات تلاش کرده به فناوری تولید سلاح‌های کشتار جمعی دست پیدا کند و همچنین هشدار دادند که رژیم فعالیت‌های خود را برای تولید سلاح هسته‌ای متوقف نکرده است. "فاکس نیوز" به نقل از سازمان‌های امنیتی ۳ کشور اروپایی گزارش داده است رژیم ایران در سال ۲۰۲۰ چندین بار تلاش کرده تا بلکه بتواند با دستیابی به فناوری ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، به

در پی انتشار فایل صوتی وزیر خارجه رژیم حسام‌الدین آشنا برکنار شد



۱۳۹۹ ضبط و اخیراً توسط رسانه‌های خارج از ایران منتشر شد. "محمد جواد ظریف" در این مصاحبه سه ساعت و نیمی به نقش سپاه تروریست پاسداران و روسیه در تخریب برجام و همچنین انتقاد از نادیده گرفتن منافع ملی از سوی "قاسم سلیمانی" پرداخته، انتشار این مصاحبه موج گسترده‌ای از اعتراضات داخلی را در پی داشت.

"حسام‌الدین آشنا" رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری که مسئولیت برگزاری مصاحبه "محمد جواد ظریف" تحت عنوان "تاریخ شفاهی دولت تدبیر و امید" را بر عهده داشته، پس از انتشار فایل صوتی این مصاحبه از کار خود برکنار و "علی ربیعی" با حکم "حسن روحانی" سمت او را عهده‌دار شد. این فایل صوتی در روز ۶ اسفند

گروگانگیری به سبک جمهوری اسلامی



فواد محمودی

قربانیان آن هم تمایل به حرف زدن در این مورد را ندارند!

این نظام مدتهاست شروع به گروگانگیری خانواده فعالین مخالف و منتقدین نظام که خارج از کشور زندگی می‌کنند دست زده تا از این طریق قربانی خود را به قربانگاه کشانده و دستمایه اقدار نیروهای پوشالی امنیتی خود کند و ایجاد رعب و وحشت در بین مخالفین و مردم نماید و خوراکي برای رسانه‌های خود بخصوص بخش خبری ۲۰:۳۰ و ديگه پروپاگاندا رژیم کنند، هرچند همگان واقف اند که ایران بهشت جاسوسان است در بیخ گوش خود پدر هسته ای نظام را ترور می‌کند اما شد ضربه‌المثل "کی بود کی بود من نبودم" فقط نیشان آبی متهم شناخته شد و تا مدت‌ها مورد تمسخر مردم قرار گرفتن . در بین افراد خارج کشور حرف و حدیسه‌های ازعمل شنیع وزارت اطلاعات در بازگرداندن داوطلبانه مخالفین نظام شنیده می‌شود. تحقیق و بررسی در این زمینه انجام دادم، اقدام به پیدا کردن و مصاحبه‌ای با این قربانیان نمودم، اما متاسفانه ۹۵ درصد حاضر به بیان واقعیت و تراژدی که در زندگی داشتن نبودن تا دو نفر از این عزیزان را موجب به مصاحبه کردم.

نظر شما را به دو مصاحبه از این قربانیان جلب می‌کنم:

از آقای "ب.ف" از فعالین ملی مذهبی کوردستان پرسیدم تا جای که امکان داره خودتون تعریف کنید؟

در جواب اظهار داشتند:

من خودم از طریق مرز غیرقانونی وارد ترکیه شده و خانواده‌ام بعد به من ملحق شدن؛ در شروع سال تحصیلی پسرم را برای ادامه تحصیل به مدرسه ایرانیان در استانبول فرستادم، یک روز مدیر مدرسه با من تماس گرفتن باید برای موضوعی به مدرسه مراجعه کنید.

وقتی رفتم من را به داخل اتاقی هدایت کردن، بعد آقای را به بنده معرفی کردن که نماینده کنسولگری ایران در استانبول بعد از حرف‌های اولیه از من خواست با ایران برای شناسایی و جلب نیروهای ملی مذهبی همکاری کنم، در مقابل این همکاری امتیازاتی به من خواهند داد. آن‌ها می‌دانستند من وضعیت مالی مناسبی ندارم و همچنین تاریخ اعتبار پاسپورت‌های خانواده‌ام تمام شده و عملاً ما غیرقانونی در ترکیه هستیم.

قول تمديد پاسپورت‌ها و اعطای کمک مالی داد، اما من قبول نکردم و جواب منفی دادم. بعد از مدتی یک روز جلو در مدرسه پسر من با ماشین تصادف می‌کند که مطمئن هستم تصادف عمدی بود، پاهای پسرم شکسته شد، بیمه نداشتیم، هزینه بیمارستان سرسام‌آور بود و خودم هم بیکار، در نتیجه تصمیم به برگشت خانواده به ایران گرفتم و خودم راهی سفر به اروپا شدم.

بعد از مدتی که رژیم فهمید من به اروپا پناهنده شدم، زلم را به اداره اطلاعات احضار کرده بودند با

وعده‌های توخالی که یک جوری من را برگردانند به ایران، بعد از چند بار به حکم دادگاه زلم ممنوع الخروج شدم ازش تعهد گرفته‌اند هر وقت از شهر محل سکونت خود بخواهد خارج شود باید تأییده اداره اطلاعات را بگیرد.

آقای "ب.ف" از توضیح بیشتری خودداری کرده و به مابقی سواها جواب درستی ندادند. در یک روز بارانی سفرم را به سمت یکی دیگر از قربانیان شروع کردم، با ایشان ملاقات نمودم، مشخص بود درد بزرگی پشت این چهره دارد. گفتم: دوست دارم تا جایی که امکان دارد و توان توضیح دارید بفرمایید چه بر شما گذشته؟

نگاهی کرد، گفت: من همه چیز خواهم گفت تا این خفاشان را رسوا کنم. شروع تراژدی زندگی آقای... یک روز که بیرون از خانه بودم زلم چندین بار با من از طریق واتساپ تماس گرفته بود، تعجب کردم، چرا به خطم زنگ زده!

تماس گرفتم تا گفتم سلام گفت خونه نیا! چند بار با نگرانی گفت نیا. خلاصه کنم اتفاقی که نباید بیفته افتاده بود، با کمک چند نفر از مرز خارج شدم، بعد از دو ماه رسیدم اروپا. اما مامورین امنیتی هر روز سرزده به خانه من وارد می شدند، هر روز ایجاد مزاحمتی جدید برای خانواده‌ام، احضاری پشت احضاری، حتی بجهام که به نوجوانی هم نرسیده جلو در مدرسه می‌برن داخل خودرو، اطلاعات

ازش بازجویی می‌کنن که بعد از اون روز خانمم جرات نمی‌کرد بچه را بفرستد کلاس زبان و جاهای دیگه. روزهای آخر شروع به تهدید خانمم می‌کنند، با فوشهای رکیک، توهین، تهمت تا از لحاظ روحی روانی خودش کنند.

تا اون روز کذایی که از واتساپ خانمم برابم تماس تصویری اومد، وقتی ارتباط برقرار کردم (در اینجا سرش پایین انداخت آهی سوزناکی از ته دل کشید) دیدم خانمم با وضعی نامناسب جلو دوربین داره گریه می‌کنه.

صدای یه مردی را شنیدم گفت: اگر شرف و ناموس داری برمی‌گردی. وگرنه این بار فیلم تجاوزش را در دنیای مجازی با مشخصات کاملاً خواهی دید. در حالی که مستقیم می‌دیدم. دیگه حرفش قطع کرد، سکوت سکوت سکوت، حق حق گریه بود و بس راستش دیگه به خود جرات ندادم سوال دیگری ببرم تا دردش را بیشتر از این نکنم. این عمل ننگین سربازان گمنام امام زمان برای دو نفر و چند نفر نیست، بلکه خیلی از فعالین خارج از کشور به این درد گرفتارند. به دو دلیل قربانیان سکوت می‌کنند:

- اول از ترس آبروریزی خود در جامعه که انگشت نما می‌شوند. - دوم محافظت از دیگر نزدیکان خود که با حرف زدن تهدیدی بشه برای مابقی نزدیکانشان. بعد از مصاحبه در مسیر برگشت همش صورت دردناک و غمزده این

قربانی جلو چشم بود و از خود سوال می‌کردم، باید چه دردی را تجربه کرده باشد؟ آثار این فاجعه در روح و روان این قربانیان کی پاک خواهد شد؟ آیا این خانواده به شرایط عادی زندگی برمی‌گردند؟

این نوع گروگانگیری کثیفترین و وحشیانه‌ترین نوع شکنجه این رژیم ضد بشری است، چون اگر خطا و گناهی هست که نیست فردی مرتکب شده که متواری، ولی این داعیان عدالت عدل علوی زهر چشم از خانواده و نزدیکانشان می‌گیرند.

اما ای قربانیان عزیز! لطفا سکوت خود را بشکنید، این سکوت شما کمکی است به تدام کارهای فجیع این نظام، برای جامعه مشخص است شما گناهی ندارید، شما قربانی این جنایت هستید، پس لطفاً با سکوت خود به این رژیم کمک نکنید. و اما وظیفه خبرنگاران و فعالین سوشیال میدیا تشویق جامعه به شکست سکوت خود در چنین مواردی و کالبدشکافی بتن جامعه و القاع بی‌گناهی چنین قربانیانی، فراهم نمودن زمینه و مطرح کردن این جنایت تا از لحاظ روحی و روانی قربانیان احساس امنیت کنند و سکوت خود را بشکنند تا ماشین این نوع جنایت رژیم را متوقف کنیم. به امید جامعه‌ای آزاد و دمکراتیک به دور از خشونت و تبعیض، رعب و وحشت.

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در طی دو هفته اول اردیبهشت‌ماه با استناد به آژانسی خبررسانی کوردستان (کردپا)

فروردین ۱۴۰۰؛ ۲۹ مورد بازداشت در کوردستان



براساس آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار سازمان حقوق بشری کردپا در فروردین ۱۴۰۰ مجموع ۲۹ شهروند کردپا بازداشت شده‌اند. شهرهای مریوان، اشنویه و بانه بیشترین تعداد بازداشت‌شدگان را شامل می‌شوند و سپس شهرهای پیرانشهر، سلماس، ایلام، نقده و سنندج دیگر شهروندان بازداشت شده را به خود اختصاص داده‌اند.

عامل و نحوه بازداشت شهروندان: بازداشت از سوی نیروهای امنیتی: ۲۹ سرنوشت نامعلوم بعد از بازداشت:

۲۲ مکان نامعلوم بعد از بازداشت: ۱۹ توقیف وسایل شخصی: ۱ ضرب و شتم و توهین به هنگام بازداشت: ۳ اتهام وارده به هنگام بازداشت (افراد که مشخص بوده): همکاری با احزاب کوردی: ۳ مورد برگزاری و شرکت در مراسم نوروزی ۱۴۰۰: ۱۸ مورد بازنمود بیشتر: اعم بازداشت‌شدگان بدون ابلاغ حکم بازداشت شده‌اند. بیشتر بازداشت‌شدگان در زمان

بازداشت موقت که میانگین آن از ۱ تا ۲ ماه است از دسترسی به وکیل تعیینی و ملاقات با خانواده محروم هستند. یکی از بازداشت‌شدگان یک ورزشکار سرشناس دهلرانی بنام اکبر (هیوا) حیدرپور بوده است. یکی از بازداشت‌شدگان زن بوده است. بنابه آمار به ثبت رسیده توسط سازمان حقوق بشری کردپا؛ در سال ۱۳۹۹ مجموع ۵۲۵ شهروند کردپا در کوردستان ایران بازداشت شده‌اند.

فروردین ۱۴۰۰؛ کشته و زخمی شدن ۱۲ کولبر

براساس آمار به ثبت رسیده در مرکز آمار سازمان حقوق بشری کردپا در فروردین ۱۴۰۰ مجموع ۱۲ کولبر کرد کشته و زخمی شده‌اند. کشته: ۳ زخمی: ۹ نحوه کشته و زخمی شدن کولبران: شلیک مستقیم نیروهای نظامی جمهوری اسلامی: ۸ مورد شلیک مستقیم نیروهای نظامی ترکیه: ۲ مورد سقوط از ارتفاع: ۱ مورد سرمازدگی: ۱ مورد مرز سلماس، نوسود، اشنویه، چالدران، بانه و سردشت، مجموع

مرزهایی هستند که طی فرودین ۱۴۰۰ کولبران در آنها کشته و زخمی شدند. باید گفت: فهم مامدی قزل‌کند، اهل سلماس، کولبری بود که در اوایل سال ۱۴۰۰ در جریان کولبری در نتیجه سرمازدگی در مرز سلماس جان باخت. حسن کچلانلو، اهل روستای بلغچی چالدران، در ۲۶ فروردین‌ماه به‌دنبال شلیک مستقیم نیروهای ارتش ترکیه در مرز چالدران کشته شد.

همچنین هیوا قادری، اهل سردشت، در ۲۸ فروردین‌ماه در نتیجه

تعقیب گریز نیروهای نظامی ایران و سقوط از ارتفاع در مرز "ساردوا" سردشت جان خود را از دست داد. بنا به آمار به ثبت رسیده توسط سازمان حقوق بشری کردپا؛ در سال ۱۳۹۹ مجموع ۲۳۱ کولبر در کوردستان ایران کشته و زخمی شده‌اند. (۵۸ کشته و ۱۷۳ زخمی) این آمار برای ۹ سال اخیر شمسی (از ابتدای سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۹)، مجموع ۱۵۰۶ کولبر بوده است. (۵۱۵ کشته، ۹۸۶ زخمی، ۳ مفقودلاشر)

فروردین ۱۴۰۰؛ صدور ۸۳ سال زندان برای ۸ شهروند کرد



سخنور، شورش عبدالله‌نژاد و صلاح آجی در دادگاه تجدید نظر تأیید شد. سبحان (راشد) احمدی نیز در دادگاه تجدیدنظر از حکم ۱ سال و ۱ روز تبرئه و حکم اعدام ارسلان خودکام، زندانی سیاسی به حبس ابد تقلیل یافت. بازنمود بیشتر در مورد صدور ۸۳ سال حکم زندان برای ۸ شهروند کرد در فروردین ۱۴۰۰:

چگونگی احکام: زندان تعزیری: ۸۳ سال اتهام وارده: همکاری با احزاب کردی: ۴ تبلیغ علیه نظام: ۲ فعالیت مذهبی و عضویت در گروه‌های مذهبی: ۲ حوزه فعالیت تعدادی افرادی که مشخص است: معترضین آبان ۱۳۹۸: ۱ فعال مذهبی: ۲ فعال کارگری:

سازمان حقوق بشری کردپا به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر در یک گزارش آماری، مسائل و موارد حقوقی مرتبط با جامعه کارگری کوردستان ایران را در سال ۱۳۹۹ ارائه می‌دهد. این گزارش به سه شیوه به مسئله کارگری در کوردستان ایران پرداخته است:

۱. موارد بازداشت، احضار، محکومیت و فشار بر فعالین کارگری و کارگران: ۴۷ مورد ۲. موارد کشته و زخمی‌شدن کارگران(کولبران، کارگران خودکشی (...): ۳۳۸ مورد ۳. موارد اعتراض و تجمعات کارگری، بیکاری و اخراج و عدم پرداخت حقوق: ۲۰۴ مورد موارد فشار بر فعالین کارگری از سوی حکومت ایران در سال ۱۳۹۸ در کوردستان ایران بازداشت:

مجموع ۱۴ نفر از فعالین کارگری، کولبران و کاسبکاران در سال ۱۳۹۹ بازداشت شده‌اند که از این مجموع ۳ نفر فعال کارگری و ۱۱ نفر کولبر و کاسبکار بوده‌اند. ۳ فعال مدنی به نام‌های حیدر قربانی، جوانمیر مرادی و افشین الهی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شدند.

۴ دستفروش خیابان "نمکی و فردوسی" سنندج، به هنگام کار از سوی نیروهای شهرداری و نظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و سپس بازداشت شدند.

تنامی کولبران و کاسبکارن مرز توسط نیروهای نظامی بازداشت شدند. فشار و تهدید بر فعالین کارگری: در یک مورد محمود صالحی و عثمان اسماعیل، اهل سقز با صدور قرا منع تعقیب از سوی شعبه ۵ دادیاری عمومی و انقلاب سقز مواجه شدند.

احضار به اداره اطلاعات و دادگاه‌ها در سال ۹۹ مجموع ۱۷ فعال کارگری در استان کوردستان در رابطه با روز جهانی کارگر به اداره اطلاعات احضار شده‌اند. افرادی مانند؛ مظفر صالح‌نیا و همسرش، محمود صالحی، عثمان اسماعیلی، شیث امانی، شریف ساعدینا، شهلا دلینا، عدنان فتحی، رامین کریمی، یوسف گرامی پور، هاجر سعیدی، سامان قادرنژاد.

احضار به دادگاه‌ها: در سال ۹۹ احضار ۷ مورد فعالین کارگری جهت تفهیم اتهام و رسیدگی به پرونده به دادگاه‌های انقلاب احضار شدند از جمله؛ حیدر قربانی، حسین پیروتی؛ کامران ساختمانگر، جوانمیر مرادی داریوش مرادی. محکومیت به زندان فعالین

کارگری: بختیار رحیمی، فعال کارگری اهل مریوان و از معترضین آبان‌ماه خونین در سال ۹۹ توسط دادگاه‌های انقلاب به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی، اجتماع و تبانی علیه نظام" به ۲ سال زندان تعزیری محکوم شد. کشته و زخمی شدن و مرگ کارگران در سال ۱۳۹۹ در کوردستان ایران بازنمود: کشته و زخمی شدن کولبران در سال ۱۳۹۸: ۲۳ کولبر در سال ۱۳۹۹ کشته و زخمی شده‌اند. (۵۸ کشته، ۱۷۳ زخمی) تن از کولبران با نام‌های حسین، آرمین احمدی و مانی هاشمی ۱۷.۱۶ و ۱۴ سال سن داشته‌اند.

نحوه کشته و زخمی‌شدن کولبران: شلیک مستقیم نیروهای نظامی ایران: ۱۵۸ مورد شلیک نیروهای نظامی ترکیه: ۱۵۰ سقوط از ارتفاع: ۲۰ مورد سرما زدگی و گرفتارشدن در برف و کولاک: ۷ مورد ضرب و شتم توسط نیروهای نظامی: ۳ مورد ضرب و شتم توسط نیروهای ترکیه: ۱ مورد سقوط به داخل رودخانه: ۲ مورد انفجار مین: ۴ مورد نامعلوم: ۱ مورد سکنه قلبی در حین کولبری: ۱ مورد

کشته و زخمی شدن در پی سوانح رانندگی: ۱۹ مورد موارد جانب‌باختن کارگران در حین انجام کار: ۵۲ مورد دلایل مرگ در حین کار: سقوط از ارتفاع: ۲۲ مورد برق‌گرفتگی: ۶ مورد حوادث رانندگی: ۵ مورد گازگرفتگی: ۴ مورد ریزش آوار: ۴ مورد سقوط دستگاه بررویش: ۲ مورد حادثه کشاورزی: ۲ مورد آتشسوزی در کارگاه: ۱ مورد انفجار تانکر نفت: ۱ مورد در جریان تعمیر ماشین: ۱ مورد برخورد با دستگاه: ۱ مورد غرق شدگی: ۱ مورد دیگر حوادث که عموماً نامشخص بوده‌اند: ۱ مورد تفکیک موارد برحسب استان‌ها: استان کوردستان: ۲۳ استان ارومیه: ۱۴ استان ایلام: ۸ استان کرمانشاه: ۷ یکی از کارگر جان‌باخته ۱ نوجوان ۱۷ ساله اهل دیواندره بوده است. زخمی و مصدومیت کارگران در حین انجام کار: ۴۲ مورد گازگرفتگی: ۶ مورد

مصدومیت کارکنان آتش‌نشانی: ۶ مورد سقوط از ارتفاع: ۵ مورد برق‌گرفتگی: ۵ مورد حوادث رانندگی: ۴ مورد انفجار در کارگاه‌ها: ۴ مورد آتشسوزی در کارگاه: ۳ مورد سقوط بار بررویش: ۲ مورد انفجار لوله گاز: ۲ مورد ریزش دیوار و سقف: ۱ سقوط به داخل چاه: ۱ دیگر حوادث: ۳ مورد تفکیک موارد برحسب استان‌ها: استان کرمانشاه: ۱۸ استان ارومیه: ۱۱ استان کوردستان: ۸ استان ایلام: ۵ خودکشی کارگران در کوردستان ایران در سال ۱۳۹۹: در سال ۱۳۹۹ مجموع ۴ کارگر و کودک کار در کوردستان ایران خودکشی کرده‌اند. خودکشی سامان انصاری، کارگر اهل کامیاران به دلیل فقر و بیکاری خودکشی آرمین ۱۱ ساله، کودک کار در کرمانشاه به دلیل فشار زندگی و فقر خودکشی حمید جاسمی، کارگر اهل سنندج به دلیل فقر خودکشی جمال دورباش، چوپان اهل اشنویه به دلیل فقر کشته و زخمی‌شدن چوپان و کشاورزان بر اثر انفجار مین: ۷ مورد کشته و زخمی شدن چوپان: ۶ مورد (۵ نفر زخمی و ۱ تن کشته) زخمی شدن کشاورز بر اثر انفجار مین: ۱ مورد باید افزود ۴ کولبر نیز بر اثر انفجار مین زخمی شده‌اند که در بخش کولبران به آنها اشاره شده است. ضرب و شتم دستفروشان: ۲ مورد در ۲ مورد دستفروشان محدوده دخانیان و خیابان "نمکی و فردوسی" در سنندج مورد ضرب و شتم نیروهای شهرداری و نظامی قرار گرفتن و در جریان ضرب و شتم دستفروشان خیابان "نمکی و فردوسی" ۴ تن بازداشت شدند. موارد اعتراض و تجمعات کارگری، بیکاری و اخراج و عدم پرداخت حقوق: ۲۰۴ مورد اعتراض و تجمعات کارگری: ۴۶ مورد اعتراضات براساس استان: کوردستان: ۱۷ مورد ارومیه: ۱۱ مورد کرمانشاه: ۹ مورد ایلام: ۸ مورد عدم پرداخت حقوق کارگران: ۱۱ مورد این موارد در استان‌های سنندج، کرمانشاه و ایلام بوده است. اخراج و بیکاری کارگران: ۱۴۷ مورد: این مجموعه شامل بیکاری ۱۲۰ کارگر پتروشیمی ایلام، ۲۰ کارگر واحد بیسکوت‌سازی ساناز طلایی و اخراج ۷ کارگر سازمان حمل و نقل عمومی